

Today, in the light of criminological and criminal studies, and also under the influence of comparative studies of the laws of other countries, the Islamic penal code and the procedure of criminal procedure have undergone a dramatic change. Among these developments is the change and expansion of new examples of criminal responses to crime. Changing the laws is only one dimension, but measuring the acceptability of these emerging punishments in the penal culture of the present society is a very important issue that in its absence, the implementation of new penal approaches in the law will remain incomplete. Therefore, the acceptance of the sentence and its acceptance among the judicial actors effective in issuing and enforcing it will show their will to apply these punishments. Because in different stages from the determination to the execution of punishments, different actors play a role and the attitude of each can affect the punishment and the type or even the principle of its execution. For this reason it is necessary to check that; What is the meaning of acceptability of punishment and what are its elements and characteristics, and also in different stages of the trial, from the pre-trial stage or prosecution to the stage of trial and execution of punishments, what are the components of punishment and recourse or non-recourse to correctional and lenient punishments?

## جایگاه مقبولیت کیفر در فرآیند کیفردهی نظام عدالت کیفری

حمید قربان پور<sup>۱</sup>

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۴/۱۰

سید محمد مهدی ساداتی<sup>۲</sup>

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۶/۰۷

علی جمادی<sup>۳</sup>

چکیده

امروزه در پرتو مطالعات جرم شناسی و کیفرشناختی و نیز تحت تأثیر مطالعات تطبیقی قوانین کشورهای دیگر، قوانین مجازات اسلامی و آیین دادرسی کیفری تحولی شگرف را به خود دیده است. از جمله ی این تحولات، تغییر و گسترش مصادیق نوین پاسخ های کیفری به بزهکاری است. تغییر قوانین تنها یک بُعد است اما سنجش میزان مقبولیت این کیفرهای نوظهور در فرهنگ کیفردهی جامعه ی حاضر بحث بسیار مهمی است که در صورت عدم وجود آن، پیاده سازی رویکردهای نوین کیفردهی در قانون ناقص باقی خواهد ماند. بنابراین پذیرش کیفر و مقبولیت آن در میان کنشگران قضایی موثر در صدور و اجرای آن نشانگر اراده آنان در اعمال این کیفرها خواهد بود. زیرا در مراحل مختلف از تعیین تا اجرای کیفرها، کنشگران مختلفی ایفای نقش می کنند و نگرش هر کدام می تواند کیفردهی و نوع و یا حتی اصل اجرای آن را تحت تأثیر قرار دهد. به همین دلیل لازم است بررسی شود که؛ مقبولیت کیفر به چه معناست و چه ارکان و ویژگی هایی دارد و نیز در مراحل مختلف دادرسی، از مرحله پیش دادرسی یا تعقیب گرفته تا مرحله ی دادرسی و اجرای کیفرها چه مولفه هایی بر کیفردهی و توسل یا عدم توسل به کیفرهای اصلاح مدار و ارفاق آمیز تأثیر می گذارد. تبیین این دو موضوع نه تنها در شناسایی چالش های پیش رو می تواند مفید باشد.

واژگان کلیدی: مقبولیت کیفر، دادستان، قاضی دادگاه صالح، قاضی اجرای احکام، سیاستگذاری، فلسفه کیفر.

<sup>۱</sup> دانشجوی دکترای حقوق جزا و جرم شناسی؛ دانشگاه آزاد اسلامی، یاسوج؛ ایرانگفتنی است که این مقاله مستخرج از رساله ی دکتری رشته ی حقوق جزا و جرم شناسی با عنوان مقبولیت کیفر در دانشگاه آزاد اسلامی، یاسوج است.

<sup>۲</sup> استادیار دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه شیراز (نویسنده مسئول مکاتبات)

<sup>۳</sup> استادیار دانشگاه آزاد یاسوج

سیاستگذاران نظام کیفری برای پیش بینی یک نظریه ی هنجاری درباره ی مجازات، ناگزیرند ملاحظات متعدد حقوقی، اقتصادی، فرهنگی و به ویژه سیاسی را مورد توجه قرار دهند. این توجه به مبنایابی و گاه مبنا سازی با هدف مقبولیت هرچه بیشتر کیفر، عموماً آهنگ فلسفی به خود می گیرد و تحت عنوان کلی فلسفه ی کیفر تبیین می گردد. اما در حقیقت نظریه های فلسفی ناظر به کیفرها، به همان شکل اولیه و خامی که در ذهن فیلسوفان تولید شده اند به اجرا گذارده نمی شوند. اینکه در عمل اندیشه های فلسفی، در چه زمان و با کدام هدف توسط دست اندرکاران نظام عدالت کیفری بکار گرفته می شود، در فلسفه ی کیفر کمتر بدان پرداخته شده است (جوان جعفری و ساداتی، ۱۳۹۴، ص ۷۶). در خصوص نظریه های پیامدگرا و توجه به رویکرد اصلاحی تأییدی بر این امر است که سیاستگذاران کیفری بسته به زمان و نیازی که در آن مطرح می شود اندیشه های کیفری را با خود هم‌نوا اعلام می کنند (جوان جعفری و ساداتی، ۱۳۹۰، ص ۲۳). به لحاظ اینکه تاچه اندازه برای سیاستگذاران بُعد مقبولیت کیفری اهمیت دارد خود بحث مهمی است که با بحث ریشه ای فلسفه کیفری و فلسفه ی کیفرها ارتباط پیدا می کند. چراکه فرض اساسی در این پژوهش این است که، نباید اینگونه پنداشت که میان اندیشه های فلسفی درباره کیفر با واقعیت های اجتماعی هیچگونه ارتباطی وجود ندارد. چراکه نه تنها کنشگران نظام عدالت کیفری، تحقق اهدافی سنتی مانند بازدارندگی، سزاجرایی، ناتوان سازی، اصلاح و غیره را در پیش بینی، وضع و اجرای کیفرها مورد توجه قرار می دهند، بلکه این نظریه ها نیز در تبیین میزان مقبولیت کیفرها و نیز میزان پذیرش این نظریه ها از سوی سیاستگذاران نیز بسیار موثر خواهند بود.

کیفر و مقبولیت آن در قالب پژوهش حاضر، منطقی است که به موجب آن می توان تمام مراحل دادرسی و کیفردهی یک نظام عدالت کیفری را بر مبنای آن تحلیل نمود. به موجب همین امر، فرض دیگری که این پژوهش در مقام بررسی آن است حول محور این سوال مطرح می گردد که آیا در تمام فرآیند کیفردهی، نگرش مقبولیت کیفری واحدی حاکم است یا خیر؟ به تناسب همین امر، فرآیند دادرسی کیفری در قالب سه مرحله ی مجزا مدنظر قرار می گیرد. بدین تفکیک که، مرحله ی پیش دادرسی از حیث نوع تدابیر مورد اتخاذ و میزان اذعان کنشگران قضایی مرتبط به تحولات قانونی آیین دادرسی کیفری در وهله ی اول مورد تحلیل قرار می گیرد. مرحله ی دادرسی که هسته اصلی کیفردهی تلقی می شود نیز از منظر مولفه ها و ویژگی های مقبولیت کیفر مورد ارزیابی قرار می گیرد؛ بدیهی است که به منظور تبیین جامع از مراحل دادرسی و تعیین حکم، هر دو مرحله ی بدوی و تجدیدنظر در مفهوم عام آن مناط تحلیل قرار خواهد گرفت. در مرحله ی سوم نیز با تبیین اجرای احکام صادر شده محور بررسی بدین سمت جهت دارد که تا چه اندازه نقش و صلاحدید قضات اجرای احکام کیفری با مراحل پیشین همسو بوده و از این حیث تا چه اندازه تکمیل کننده و یا نقض کننده ی فرآیند کیفردهی سابق تلقی می شود.

الف) مفهوم شناسی مقبولیت کیفر و افتراق آن از مفاهیم مشابه

فرا تر از معنای لغوی مقبولیت که در قالب پسندیدگی و شایستگی و مطبوعیت (دهخدا، ) بیان شده است، اما در قالب اصطلاحی، منظور از مقبولیت «پذیرش مردمی» است. در قالب علوم سیاسی این مفهوم چنین تعبیر شده است که «اگر مردم به درخواست فرد یا گروهی برای حکومت، تمایل نشان دهند و خواستار اعمال حاکمیت از طرف آن فرد یا گروه

باشند و در نتیجه براساس خواست و اراده مردم حکومتی تشکیل گردد، گفته می‌شود آن حکومت دارای مقبولیت؛ و در غیر این صورت فاقد مقبولیت می‌باشد» (آقابخشی، علی؛ ۱۳۸۳، ص ۳۷۵).

بنابراین مقبولیت واژه ای سیاسی در نظام عدالت کفری است؛ که در صورت اضافه شدن کفر به آن، جهت گیری آن را به موضوعی خاص و جنبه های ویژه ی مرتبط با آن معطوف می سازد. بر همین اساس، می توان از مقبولیت کفر این تعریف را ارائه داد: «اذعان و التزام حداقل عملی مرتبط با پذیرش عام یا خاص رویکرد کفری پیش بینی شده در قانون کفرگذار». در قالب این تعریف اولاً آنچه که مقبولیت را محقق می سازد حداقل نوعی اعتراف عملی است و نگرش درونی به مقبولیت حداقل نوعی تفتیش ذهنیت انسان‌ها و امری مالایطاق نظام عدالت کفری. ثانیاً اینکه مقبولیت در قالب پذیرش به دو شکل عام و خاص نمود پیدا می کند. پذیرش عام کفر، به پذیرش همگانی و عموم جامعه اطلاق می شود و پذیرش خاص کفر به گروهی خاص، که در اینجا منظور کنشگران قضایی هستند اطلاق می گردد. با نظر به این دسته بندی از پذیرش کفر به طور کلی می توان دو کارکرد را برای آن برشمرد: اولاً مشارکت در پیاده سازی قدرت نظام عدالت کفری (از سوی کنشگران وابسته)؛ ثانیاً مشارکت در جهت کارآمد سازی، حفظ رعایت و پایایی نظام عدالت کفری از سوی عموم مردم.<sup>۴</sup>

مفهوم مقبولیت کفر مفهومی نسبی است و از مراتبی برخوردار است. نظام‌های عدالت کفری به تناسب میزان کارآمدی خود در تأمین و برآوردن انتظارات و خواسته‌های مردم (اعم از مادی و معنوی) و حل مشکلات آنان، از مراتب متفاوتی از مقبولیت برخوردار می‌باشند؛ و به هر میزان بین عملکردهایشان با اصول و اهدافی که برای خود ترسیم کرده‌اند مطابقت بیشتری دیده شود، از مقبولیت بالاتری نیز برخوردار خواهند بود.

می توان مفهوم مقبولیت کفر را به مشروعیت آن بسیار نزدیک دانست؛ امری که ملاحظات دینی و اسلامی حاکم بر نظام های عدالت کفری این اقتران مفهومی را ایجاد می کند. به اعتقادی، مقبولیت از اقسام مشروعیت است؛ ولی اگر مشروعیت به معنی شرعی بودن نظام عدالت کفری تلقی گردد- کما اینکه اندیشمندان اسلامی چنین معنی کرده‌اند- مشروعیت یک امر الهی و شرعی می‌شود؛ این در حالی است که مقبولیت امری مردمی است و نه الهی، و از این حیث که تعریف آن متضمن مردمی بودن است با مشروعیت فرق اساسی داشته و از اقسام آن نخواهد بود. در نظام سیاسی اسلامی اگر چه اعطاء مشروعیت از محدوده اختیارات شارع است ولی عینیت و فعلیت یافتن آن در گرو پذیرش عموم مردم است، با این معنی مشروعیت و مقبولیت مکمل همدیگر خواهند بود. نگرش مبتنی بر تکمیل کننده بودن قابل قبول تر به نظر می رسد؛ از این حیث که در قالب این تفکر، کفری که در نگاه کنشگران کفردهنده مقبول است خود می تواند ریشه در تفکر مشروعیت بخشی سیاستگذاری جنایی نیز داشته باشد. اما لازم به ذکر است که نمی توان وجود یکی را لازمه ی وجود دیگری دانست؛ از این حیث می توان کفری غیرمقبول را تصور نمود که از یک نظام سیاستگذار مشروع سر برآورده باشد. مضافاً اینکه نگاه مشروعیت به نظام عدالت کفری یک نگاه ارزشی-اعتقادی است، اما نگاه مبتنی بر مقبولیت نگاهی

<sup>۴</sup> یکی از کارکردهای مقبولیت عمومی مردم، تشکیل و تداوم حکومت و کارآمدی آن است؛ اما، هرگز نباید تصور کرد که این رابطه دو سویه بوده و لازمه تشکیل و تداوم هر حکومتی به معنی مقبولیت آن حکومت است؛ زیرا، چه بسا حکومت‌هایی که علیرغم مقبولیت با استفاده از مکانیزم‌هایی نظیر اعمال قوه قهریه، زور و فشار، ایجاد گردیده و تداوم داشته باشند. نکته مهم اینجاست که تداوم چنین حکومت‌هایی تا جایی است که آن مکانیزم‌های یاد شده بتوانند کارایی و تأثیر خود را داشته باشند؛ اما زمانی که فاقد چنین تأثیری بشوند، آن حکومت به سرعت راه انحطاط و زوال را در پیش گرفته و نابود خواهد شد. بنابراین تداوم چنین حکومت‌هایی دلیل بر مقبولیت مردمی نیست. (برای مطالعه ی بیشتر ر.ک عالم، عبدالرحمن، ۱۳۸۳، ص ۱۰۷)

فردگرا بوده و می‌تواند از محاسبات علمی-عقلی تقویت گردد. به عنوان مثال، یک قاضی رسیدگی کننده در عین پذیرش مشروعیت نظام عدالت کیفری ایران، اما نسبت به اعمال کیفر جایگزین نسبت به شخص واجد صلاحیت اجتناب می‌کند و آن را در آن شرایط مقبول نمی‌داند.<sup>۶</sup>

از منظر توجه به این مفهوم از مقبولیت کیفر می‌توان بیان داشت که در حقوق کیفری ایران مصادیقی را مشاهده می‌گردد که یک قانون، به دلیل عدم مقبولیت از سوی مردم یا کنشگران قضایی، مُرده متولد می‌شود؛ این قانون مُرده خود حاکی از آن است که قانونگذار به دلیل عدم پیش بینی بسترهای لازم اراده‌ی اجرایی نمودن آن را ندارد و عواملی مانند فشارها یا فرصت‌های بین‌المللی، موجبات تصویب اجباری آن را فراهم ساخته‌اند. همه‌ی این ملاحظات به نگرش تمامی کنشگران قضایی در توسل به کیفرهای نوظهور یا ارفاق‌آمیز جهت می‌بخشد و عملکرد آنان را تحت تأثیر قرار می‌دهد.

مقبولیت کیفر به نحوی با توجیه کیفر<sup>۷</sup> و توجیه مداخله‌ی کیفری نیز ارتباط پیدا می‌کند. در حالی که توجیهات اخلاقی مداخله‌ی کیفری<sup>۸</sup> در قالب ارزش‌های نقض یا تهدید شده توسط بزهکاران شکل گرفته‌اند، گونه‌ای از توجیه مداخله‌ی کیفری در قالب دلایلی که به کنشگران نقش‌های مختلف نظام عدالت کیفری مربوط است، شکل می‌گیرد. هنگامی که قانونگذار محدودیت‌های کیفری را خلق می‌کند، هنگامی که پلیس و دادستان متهمان را دستگیر و علیه آنها اقامه‌ی دعوا می‌کنند، هنگامی که قضات متهمان را محکوم می‌کنند و مجازاتی را به آنان تحمیل می‌کنند و هنگامی که مأمورین اجرای احکام مجازات را بر فرد مجرم اعمال می‌کنند، همه‌ی این کنشگران نیاز به توجیهی برای مشارکت و سهم‌شان در پروژه‌ی کلی جرم‌انگاری دارند. این برداشت تأکیدی است... که چگونه چارچوب سازمانی نظام عدالت کیفری بر دلایل مرتبط با توجیه آن تأثیر می‌گذارد (محمودی جانکی و روستایی؛ ۱۳۹۲، ص ۵۳). از این حیث این دو مفهوم به شکل بسیار پیچیده‌ای در هم تنیده‌اند، گاهی توجیه<sup>۹</sup> مداخله‌ی کیفر از سوی کنشگران فرآیند کیفردهی نظام عدالت کیفری به نتیجه‌ی مقبولیت کیفری منتهی می‌گردد و گاهی مقبولیت در تمام مراحل توجیه حضور یافته و فرآیند توجیه را سرعت می‌بخشد. لازم به ذکر این نکته است که توجیه مجازات در مقام پاسخ به سوال چرا مجازات مطرح می‌گردد که نظریه‌هایی چون تعلیم اخلاقی جان‌هامپتون و نیز نظریه جبران ناامنی اجتماع را در پی مطرح می‌سازد. (برای مطالعه‌ی بیشتر ر.ک یزدیان جعفری، ۱۳۹۱، صص ۱۴۵-۱۵۳). به علاوه اینکه توجیه کیفر با مقبولیت کیفر نیز همین ارتباط تنگاتنگ را دارد؛ زیرا بنا به اعتقادی، توجیه کیفر یا مجازات نگرشی آینده‌مدار است نسبت به اهداف اساسی مجازات و در عین حال توجه به ویژگی‌های بزهکار (موراوتز، ۱۳۸۷؛ ص ۲۲۶).

### Justification of punishment

<sup>۸</sup>. لازم به ذکر است که آموزه‌هایی چون «مکافات‌گرایی» و «فایده‌گرایی» در توجیه کیفر با هم پیوند داشته و به نظر می‌رسد هر یک از این دو نقش قابل ملاحظه‌ای در جهت‌گیری مقبولیت مدار کیفری کنشگران قضایی در تعیین کیفر ایفا می‌کند. برای مطالعه‌ی بیشتر در این خصوص ر.ک (رستمی و تقی‌پور، ۱۳۹۴، صص ۷۵-۹۸)

<sup>۹</sup>. توجیه کیفر در فلسفه اخلاق معاصر تحت سیطره و نفوذ دو جریان دیرپا در ساحت اخلاق هنجاری، یعنی غایت‌گرایی و وظیفه‌گرایی است. وظیفه‌گرایی به نفس عمل می‌نگرد و درستی و نادرستی اعمال را فارغ از پیامدهای احتمالی‌شان، دآوری کرده و در صدور احکام هنجاری نظر به غایت ندارد. توجیه کیفر در این سنت بر پایه تقدم حق بر خیر، ایده استحقاق و با نگاه به گذشته و عنصر مکافات صورت می‌گیرد. در مقابل، غایت‌گرایی بر نتیجه استوار است و گزاره‌های تکلیفی را با عنایت به پیامد رفتار آدمی تجویز می‌کند. غایت‌گرایی در خوانش فایده‌گرایی با تقلیل حسن و قبح اعمال به فایده مترتب بر آنها در توجیه مجازات نظر به آینده دارد. برای مطالعه‌ی بیشتر ر.ک (رستمی، ۱۳۹۵، ص ۱۳۱)

به فراخور نگرش حاکم بر مکاتب حقوق کیفری، دیدگاه های متفاوتی نسبت به فلسفه و اهداف کیفر مطرح شده است. در این خصوص می توان سه رویکرد کلی را مطرح نمود که هر کدام در درون خود، دارای گرایش های متفاوتی است. گروهی بر باور نتیجه گرایی، غایت گرایی و یا به تعبیری سودانگاران تکیه می کنند و تأکید آنان بر این است که کیفر و اعمال آن، زمانی قابل پذیرش است که دارای یک فایده در آینده باشد. در درون این رویکرد، اصلاح و درمان (بازپروری)، بازدارندگی و ناتوان سازی و... وجود دارند. البته قدر مشترک همه آنها، این است که بر فایده مترتب بر کیفر توجه می کنند. در مقابل، رویکرد مطرح دیگر که محور آنها وظیفه گرایی است، وجود دارد و اعمال کیفر را دارای حسن ذاتی می داند. به عبارت دیگر، کیفرها فارغ از اینکه دارای فایده و آثار آینده نگر باشند یا نباشند، دارای ضرورت هستند و باید مورد عمل واقع شوند. یعنی در اعمال کیفر معیار و ملاک خطای گذشته مرتکب جرم است. در درون این رویکرد نیز توجیه های متفاوتی، مانند الغا یا محو جرم، الزام اخلاقی (توجه متافیزیکی کیفر)، تهذیب معنوی مجرم، تصحیح یا اصلاح امتیاز ناعادلانه و... به چشم می خورد. اما در برابر این دو رویکرد، رویکرد سومی قابل طرح است که تلاش کرده است، با تلفیق این دو رویکرد به صورت حداکثری نکات مثبت هر دو رویکرد نتیجه گرا و سزاگرا را در خود داشته باشد. در ادامه با نگرش به مقبولیت کیفر، رویکردهای سه گانه تشریح می گردند.

#### ۱- رویکرد نتیجه گرایی<sup>۱۰</sup>

رویکرد نتیجه گرایی در توجیه فرآیند مقبولیت کیفر بر این باور است که، با تأکید بر نتایج و سودآوری کیفر، نگرشی آینده نگر و غایت گرا را بر جهت گیری مقبولیت حاکم نماید. این رویکرد بر مبنای نظریه ی اصالت فایده معتقد است که باید در راستای تحقق حداکثر فایده و سود تلاش کرد و از زیان و خسارت بگریزند. از نظر حقوقی نیز ارزش حقوق و رفتار انسان بر اساس سودمند بودن آن تعیین می گردد. یکی از صاحب نظران این رویکرد از نظر فلسفی و ابتدا در فلسفه اخلاق، «ژرمی بنتام» است. فلسفه «بنتام» بر یک اصل کلی به نام منفعت گرایی و سودجویی استوار شده است. این رویکرد یا نظریه، بر این باور است که میزان و معیار رفتار و عملکرد انسان، یعنی رفتار نیک و بد، رنج، خوشی و لذت است، لذا باید عملی را اتخاذ نمود که خوشی و لذت حاصل از آن بیشتر، بادوام تر و مؤثرتر و گروه و جماعت بیشتری را شامل شود. رفتار شر و عملی که باید از آن دوری جست، عبارت از آن است که رنج و آلمی از آن برآید و فایده و لذتی را برای انسان به دنبال نداشته باشد. در نگاه «بنتام» یگانه فلسفه اخلاق در جهان سودگرایی بوده، در نتیجه، رفتاری از نظر اخلاقی درست و صواب است که در هر وضعیت و شرایطی، لذت و سعادت کلی را در حد اعلی گسترش دهد. در یک عبارت

#### ۱۱. Utilitarianism

بنتام در نوشته های خود نظریه «فایده اجتماعی» که قبل از ایشان توسط «سزار بکاریا» مطرح شده بود را تحت فرمول ریاضی درآورد. وی معتقد بود که انسان فردی است خودخواه که همیشه درصدد جلب منفعت است، کسی که مرتکب جرم می شود نیز هدفش جلب منفعت یا جلب رضایت باطنی است، اما در ارتکاب جرم در مقابل دو امر تنها قرار دارد. یا به خاطر جلب منفعت جرم را مرتکب شده و مجازات را نیز تحمل نماید و یا اینکه از ارتکاب جرم صرف نظر نموده و خود را در معرض تحمل مجازات قرار ندهد. در قبال چنین موقعیتی بنتام معتقد بود که باید حتماً عذاب مجازات بیش از منافع احتمالی حاصل از جرم باشد تا ترس از مجازات، مجرم را از ارتکاب جرم بازدارد. در مورد فایده اجتماعی مجازاتها نیز معتقد بود کیفر، عملی است که برای مجرم موجب درد و عذاب و برای دولت موجب هزینه گزاف نگهداری و اداره زندانها است؛ بنابراین زمانی باید به کیفر متمسک شد که سود و نفع آن بیشتر از مضرات آن باشد. (مرتضی محسنی، دوره حقوق جزای عمومی، ج ۱، ص ۱۸۹)

مختصر و کوتاه، لذت، یعنی نبودن درد و رنج. به همین دلیل، میزان این سود و لذت هر قدر بیشتر باشد، بهتر و توجیه پذیرتر است.<sup>۱۲</sup>

گرچه آثار مفیدی در قوانین کیفری بسیاری از کشورها داشته و موجب اصلاح و تغییر آنها شده است، اما در عین حال از جهانی مورد انتقاد قرار گرفته است.

اولاً، جزم اندیشی و یک جانبه نگری، نظام عدالت کیفری را به اهداف خود نمی‌رساند. زیرا صرف توجه به تحصیل فایده و سود حاصل از اجرای کیفر از رهگذر تئوریهای غایت‌گرا موجب استفاده ابزاری ایشان شده و حقوق کیفری را از اخلاقی تهی می‌کند. اگر کیفر همانند جرم یک پدیده اجتماعی است، ضروری است، مانند سایر پدیده‌های اجتماعی دارای قابلیت انعطاف باشد (حبیب زاده، محمد جعفر، ۱۳۹۱، ص).

ثانیاً، نادیده گرفتن استحقاق مجرم و تکیه بر آثار و نتایج مطلوب در اعمال کیفر، عدالت کیفری را به شدت نسبی و سیال خواهد کرد و این به نوبه خود می‌تواند بسیار خطرناک و قابل سوءاستفاده باشد و مجرم را در معرض و سخت‌ترین کیفرها قرار دهد. تا چه حدی می‌توان کیفر را برای غلبه بر انگیزه‌های لذت‌گرایانه مجرم تشدید نمود و این مسابقه تا کجا می‌تواند ادامه پیدا کند؟ علاوه بر اینکه این سؤال جدی مطرح می‌گردد که آیا همه جرایم با انگیزه‌های سودجویانه ارتکاب می‌یابد که مدعی شویم مجرم با یک محاسبه دقیق میزان نفع مورد انتظار خود را با شدت کیفر احتمالی در نظر بگیرد و پس از آن، تنها به خاطر دستیابی به منافع بیشتر مرتکب جرم شود و در فرضی که شدت کیفر بیشتر از منافع مورد انتظارش بود، از ارتکاب جرم امتناع کند؟ بدون تردید تعدادی از جرایم با انگیزه‌های غیر مادی صورت می‌گیرد و مجرم از قبل می‌داند که هیچ‌گونه منفعت مادی به دست نخواهد آورد، ولی در عین حال تحت تأثیر اهداف و انگیزه‌هایی مرتکب جرم می‌شود و چه بسا در چنین مواردی مرتکب، توجهی به کیفر جرم ارتكابی ندارد. (دانش پژوه و خسروشاهی، ۱۳۹۰: ۲۰۸)

## ۲- رویکرد مکافات‌گرایانه<sup>۱۳</sup>

رویکرد سزاگرایانه در ردیف اولین نظریه‌ها در جهت دهی به فرآیند مقبولیت کیفر قرار دارد. این اندیشه و تفکر از ابتدا همراه بشر بوده است. به عبارتی، درباره جرایم کیفر، اولین پاسخی که به ذهن انسان خطور می‌کند، این است که هرکس مرتکب جرمی شود، مستحق تنبیه و کیفر است. جالب است که این تفکر، به رغم سابقه ی طولانی خود، هنوز در میان کنشگران حقوق کیفری از جمله کشور ما تجلی خاص خود را دارا است. منطق اصلی رویکرد سزاگرایانه در توجیه علت پذیرش کیفر، تکیه بر خود جرم است که پدیده نامطلوبی تلقی می‌گردد که به دنبال آن مسئولیت اخلاقی مرتکب را در پی دارد. در رویکرد سزاگرایانه بر موضوع خطایی که مرتکب، در گذشته انجام داده، تأکید می‌گردد و لذا به این نظریه، دیدگاه واپس‌گرا یا گذشته‌نگر نیز گفته می‌شود. با منطق همین رویکرد، معنا و اهداف مختلفی پیدا می‌کند: کیفر به عنوان یک سرزنش اخلاقی است؛ کیفر به عنوان تاوان یا جبران جرم ارتكابی است؛ کیفر برای الغا یا خنثی کردن جرم پیشین بکار می‌رود؛ کیفر برای تهذیب معنوی مجرم مورد استفاده قرار می‌گیرد؛ کیفر، ابزاری است پیام‌مهمی را به جامعه اعلام می‌کند. در غالب همین تفکرات است که سطح مقبولیت کیفر و شیوه ی آن تعیین می‌گردد. به عنوان مثال برخی از

<sup>۱۲</sup>. البته باید بر این مطلب توجه کرد که بنام سودمندی و لذت‌گرایی را محور و مرکز ثقل اندیشه خود ترسیم می‌نماید، بدون اینکه به منبع و ریشه این لذت و خوشی نیم‌نگاهی داشته باشد. از این رو، در فلسفه بنام فرقی نمی‌کند که ریشه و منشأ لذت چه بوده و این لذت‌گرایی از کجا ناشی می‌شود.

<sup>۱۳</sup>Retribution.

بخشنامه هایی که با منطق حبس زدایی و استفاده از جایگزین های صادر می شوند، ممکن است موضوع مخالفت برخی از کنشگران قرار گیرند و به موجب آنها، مدتی شخص محکوم در حبس نگهداشته شود.

### ۳- رویکرد ترکیبی<sup>۱۴</sup>

در رویکرد ترکیبی یا دو گانه، ترکیبی از رویکردهای سزادهی، فایده گرایی مدنظر است. تئوری دو سطحی به نظریه «راولز» و «هارت» مربوط می شود. به نظر میرسد نظریه «راولز»<sup>۱۵</sup> بر پایه فایده گرایی است، اما دارای دو مرحله متفاوت است. در مرحله نخست، نهادها و اجرای کیفر به عنوان مجموعه ای از مقررات، بر پایه نگاه فایده گرایانه توجیه می گردد، اما در مرحله دوم، در مورد مقرراتی که رفتارها را شامل می شود، سزادهی مبنا و پایه توجیه است. این دیدگاه به رغم عدم موفقیت کلی رویکرد فایده گرایانه، همچنان نظریه مستحکم و قدرتمندی است. (Wood 2002:304). «هربرت هارت»<sup>۱۶</sup> نیز بین وضع کیفر و مصادیق آن تفاوت قائل می شود. از دیدگاه ایشان وضع کیفر فقط بر پایه اهداف فایده گرایانه قابل توجیه است، اما موارد و مصادیق شخصی کیفر، زمانی قابل توجیه است که فرد مورد نظر برای کیفر دیدن دارای استحقاق باشد.<sup>۱۷</sup> (Wilson, 1998:54) از دیدگاه ایشان در پاسخ به دو سؤال مهم مسئولیت (یعنی چه کسی باید کیفر ببیند و به چه مقدار و میزان باید باشد؟) معتقد است، رویکرد فایده گرایانه به قسمت اول بر می گردد و ملاحظات مربوط به سزادهی و اجرای عدالت برای محدود کردن کیفر تنها به فردی که استحقاق کیفر را دارد. همچنین به میزانی که منطبق با مسئولیت وی باشد. (Wood, OP.Cit: 305). به نظر می رسد در چنین دیدگاه هایی این مطلب مهم وجود دارد که در یک نظام عادلانه کیفر، دلایلی به نسبت مفیدی برای کیفر دادن مقصر که در عین حال متناسب با شدت جرم ارتكابی وی باشد، وجود دارد. همچنین در یک نظام کیفری دو یا چند گانه نیز می توان این ترکیب نظری و رویکردی را قابل دفاع دانست و به موجب آن میان مراحل مختلف قضایی و یا سطح مختلف کنشگران قضایی شیوه ی تجلی آن را متفاوت یافت.

### ج) مقبولیت کیفر از منظر کنشگران قضایی مراحل پیش دادرسی

مراحل پیش از محاکمه یا دادرسی شامل کشف و تعقیب جرم و تحقیقات مقدماتی، مهم ترین و حساس ترین مراحل دادرسی کیفری محسوب می شوند، زیرا اساس پرونده کیفری در این مراحل پی ریزی شده و سرنوشت قضایی متهم تقریباً در این مراحل رقم می خورد (مهمان نواز، ۱۳۹۰، ص ۱). بنابراین جایگاه مرحله ی تعقیب و تحقیق از متهم و مقام های مرتبط با آن در دادرسی کیفری انکارناپذیر است و از این حیث، کنشگران این مرحله ی کیفردهی در قالب تحقیقات

<sup>۱۴</sup>. برخی در اینجا تعبیر «دوآلیستی» را به کار برده اند. در کنار واژه دو آلیست (Dualist) می توان مفاهیمی مانند پلورالیست (Pluralist) یا کثرت گرا، آمیزه (Mixed)، دورگه یا دوگانه (Hybrid)، ترکیبی (Synthetic)، حد وسط یا واسطه (Intermediate) و میانه راه (Middle of the road) را نیز مطرح کرد. البته معروف این است که مراد از بحث در موضوع فلسفه کیفرها، نظریات مرکب از فلسفه سزادهی و فایده گرایی است.

<sup>۱۵</sup> Johe Rawls.

<sup>۱۶</sup> H.L.A. Hart. (Herbert Lionel Adolphus Hart)

<sup>۱۷</sup>. به نقل از: یزدیان جعفری، چرایی و چگونگی مجازات، صص ۱۵۸-۱۵۹.

مقدماتی و تأثیر نگرش‌های مبتنی بر مقبولیت و پذیرش کیفر می‌تواند به شکلی ویژه این مرحله را تحت تأثیر قرار دهد. آنچه مشخص است اینکه مرحله‌ی پیش‌دادرسی با اجزای مختلفی که دارد؛ از اصول متفاوتی با مراحل دیگر دادرسی کیفری برخوردار است و رعایت ویژگی‌هایی که بر تحقیقات مقدماتی (خالقی، ۱۳۹۵، صص ۸۷-۹۵) به طور خاص و تعقیب به طور کلی وجود دارد (میری، ۱۳۹۰) بر این وجه تمایز افزوده است.

اهمیت این مرحله و مولفه‌های حاکم بر آن از قبیل امنیت‌گرایی، سرعت تعقیب و تحقیق باعث شده است که نگرش کنشگران این مرحله نیز متفاوت باشد. مدعی‌العموم بودن دادستان (برای مطالعه‌ی بیشتر در خصوص مفهوم دادستان و جایگاه وی ر.ک کم و خرمالی، ۱۳۹۵، صص ۱۷۵-۱۷۲) اختیارات صلاح‌دیدی و نگرش حاکم بر تصمیمات وی را در جهت حفظ حقوق حقه‌ی عامه تقویت می‌کند. بر همین اساس در تمام جزئیات کیفردهی مرتبط نیز انتظار بر این است که مقبولیت کیفر از نظر این مقام جهتی امنیتی و فرا فردی به خود بگیرد؛<sup>۱۸</sup> در ادامه به جهات مختلفی که به نوعی مقبولیت را در نظر مقام تعقیب و تحقیق تغییر یا با اصلاحاتی مواجه می‌سازد اشاره می‌گردد، اما قبل از آن لازم به اشاره است که مُراد از کیفر در این مرحله چیست؟ با اندکی دقت می‌توان دریافت منظور از کیفر به معنای مجازات نیست، بلکه تصمیم قضایی برخاسته از رفتار کیفری است. به تعبیر بهتر منظور تصمیمی است که مقام قضایی در این مرحله نسبت به شخص متهم صادر می‌کند و به موجب این تصمیم تحدید حقوق و آزادی‌های وی محقق می‌گردد؛ بنابراین عموماً طیف مشمول این تصمیمات را می‌توانند در قالب قرار متجلی یافت.

۱- مقبولیت کیفر در تعامل با حقوق متهم: در ابتدا آنچه در مرحله‌ی پیش‌دادرسی می‌تواند تأثیر قابل توجهی بر مقبولیت کیفر داشته باشد حقوق متهم است. تضمین حقوق متهم<sup>۱۹</sup> در برابر اتهاماتی است که به حق یا من غیر حق به وی نسبت داده می‌شود از جمله مسائل اساسی در فرآیند کیفری که ضامن حمایت از حقوق فردی و اجتماعی بوده و تأثیر قابل توجهی در تأمین امنیت قضایی جامعه دارد.<sup>۲۰</sup> با توجه به اهمیت حقوق متهم در اجرای دادرسی عادلانه و تحقق عدالت قضایی، اعلامیه‌های حقوق بشر و سایر اسناد بین‌المللی مربوطه، پیرامون تضمین این حقوق، تدابیر ویژه‌ای اندیشیده و تمهیدات خاصی اتخاذ نموده‌اند. قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲ (اصلاحی و اجرایی ۱۳۹۴) در قالب تأکید حداکثری بر حقوق متهم به شکلی انسان‌مدار و در راستای تحقق یک دادرسی عادلانه (ساقیان، ۱۳۹۳، صص ۱۱۴-۱۱۳) به پیش‌بینی نهادهای ارفاق‌آمیزی مبادرت نموده است که سابق بر آن در قوانین دیگر کمرنگ بود. به عنوان مثال قانون اخیرالذکر با پیروی از حقوق فرانسه، امکان حضور وکیل متهم را نه تنها نزد بازپرس، بلکه هنگام تحت نظر قرار گرفتن نزد ضابطان نیز پذیرفته است (برای مطالعه‌ی بیشتر در رابطه دیگر مصادیق حقوق متهم ر.ک همان). همانطور که مشخص است حقوق متهم بستری است که در قالب آن مسیر مقبولیت اقدام کیفری هموار یا دشوار می‌شود. اینکه در قانون حقوق متهم تصریح گردد ولی از سوی کنشگران قضایی این مرحله مورد عمل واقع نشود، پذیرش اقدامات این کنشگران از سوی متهمان و وابستگان آن را تحت تأثیر قرار می‌دهد. بر همین اساس، اگر مقامات قضایی، این رویکرد تقنینی را مورد قبول بدانند،

<sup>۱۸</sup> بدیهی است که مقبولیت کیفر در مرحله‌ی تحقیقات از سوی دادگاه نیز مشمول همین بحث است، زیرا بنا به تصریح ماده ۳۴۰ ق.آ.د.ک، برخی تحقیقات از سوی محاکم صورت می‌گیرد.

<sup>۱۹</sup> متهم در هر یک از مراحل فوق‌واحد دو نوع حق می‌باشد: «حق آزادی و حق دفاع»

<sup>۲۰</sup> در رابطه با رویکرد پذیرش مابقی از سیاستگذاری جنایی نسبت به حقوق متهم می‌توان چنین بیان داشت که قوانین داخلی اغلب کشورها به ویژه قوانین مربوط به آیین دادرسی کیفری نیز به دنبال الزامات حقوق بشری و تعهدات بین‌المللی در این راستا سیاست‌های خاصی در پیش گرفته و مقررات ویژه‌ای تنظیم و تدوین کرده‌اند. کشور ایران نیز به عنوان جزئی از جامعه بین‌المللی، از این قاعده مستثنی نبوده و به تبعیت از الزامات حقوق بشری بین‌المللی و نیز آموزه‌های شریعت اسلام، از همان آغاز قانونگذاری تا به امروز، قوانین و مقررات خاصی را در جهت تضمین حقوق متهم در قالب اصول کلی قانون اساسی و قوانین آیین دادرسی کیفری و سایر قوانین عادی پیش‌بینی کرده است.

عمل به آن می تواند مقبولیت از سوی مردم را در پی داشته باشد؛ و الا فلا. در نتیجه محاسبه و سنجش مقام قضایی در انتخاب تعامل یا تقابل با حقوق متهم، نه تنها نشان از مقبولیت کیفر از سوی وی است بلکه علاوه بر آن، به مقبولیت اعمال از دیدگاه متهمان نیز جهت می دهد؛ در راستای این مقبولیت متهم می تواند سنجش ها و افکار مشروعیت را در نظر گرفته و بر اساس آنها اقدام به تحلیل عملکرد مقام قضایی بنماید.

۲- مقبولیت کیفر در اعمال جایگزین های تعقیب: «جایگزین های تعقیب دعوی عمومی» مجموعه شیوه ها و اقداماتی است که توسط قانون گذار پیش بینی شده است تا دادستان به عنوان مقام تعقیب به جای پیگیری دعوی عمومی در مسیر اصلاح و بازاجتماعی کردن فرد، تضمین حقوق بزه دیده و رعایت حقوق جامعه از آن استفاده کند (برای مطالعه ی بیشتر در رابطه با جایگزین های تعقیب ر.ک کوشکی، ۱۳۸۹). در قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲ (اصلاحی و اجرایی ۱۳۹۴) در قالب جایگزین های تعقیب، مصادیق مهمی چون ترک تعقیب، بایگانی کردن پرونده، تعلیق تعقیب و میانجی گری کیفری پیش بینی شده است. در تمام این نهادها تشخیص تناسب (جمشیدی و نوریان؛ ۱۳۹۲) جایگزین تعقیب برعهده ی مقام قضایی است؛ و از این حیث می توان دریافت که میزان مقبولیت کیفر از ناحیه ی وی صدور یا عدم صدور این نهادهای اصلاح مدار را تحت تأثیر قرار می دهد. به همین دلیل است که با توجه به تأثیرپذیری مقبولیت کیفر از خاستگاه ذهنی کنشگران قضایی، می توان سلیقه گرایی در تعیین جایگزین های تعقیب را نتیجه ی عملی تشخیص تناسب تعقیب یا عدم تعقیب و جایگزین ها دانست.<sup>۲۱</sup> از طرفی نیز حاکمیت رویکرد امنیت گرا بر مرحله ی تعقیب متهمان باعث می شود که تأکید حداکثری بر تعقیب از جمله آثار عدم جهت دهی نظام مند به مقبولیت کیفر باشد. چنانچه عدم وجود سازوکارهای نظام مند را به عنوان ایرادی به جایگزین های تعقیب مورد اشاره قرار داد می توان دریافت که رویکرد ناقص تقنینی نیز خود به عاملی در جهت پر رنگ شدن عدم مقبولیت کیفری تبدیل خواهد شد. به عنوان مثال وقتی بار پرونده های موضوع رسیدگی در شوراهای حل اختلاف با تورم مواجه باشد و در عین حال موسسه های خصوصی در این راستا مشخص نشده اند و مقنن اشخاص خاص مقرر در ماده ۸۳ ق.آ.د.ک را نیز تعیین ننموده است (حسانی، ۱۳۹۴)، از میانجی گری کیفری چیزی جز نام آن باقی نمی ماند؛ امری که مقبولیت اجرایی کیفر را به حداقل ترین میزان خود می رساند.

۳- تأثیر مقبولیت کیفر بر تعیین قرارهای تأمین کیفری و نظارت قضایی: بعد مهم دیگری که در مرحله ی پیش دادرسی جلوه ی بسیار پر رنگی از منظر جایگاه مقبولیت کیفر دارد تعیین قرارهای تأمین کیفری است. این قرارها با تحدید حقوق و آزادی های افراد و پس از تفهیم اتهام چنانچه دلایل کافی حاکی از انتساب آن اتهام به متهم باشد<sup>۲۲</sup> صادر می گردند (مصدق، ۱۳۹۴، ص ۱۷). به تصریح ماده ۲۵۰ ق.آ.د.ک تشخیص تناسب تأمین از مهمترین معیار عملی صدور آن است؛ که معیارهای لازم در تشخیص آن عموماً رویکردی امنیت گرا داشته و در صدد حفظ متهم و ادله ی موجود هستند. شدیدترین قراری که چالش های فراوانی را از حیث مقبولیت کیفر و مقبولیت عملکرد قضایی ایجاد می نماید قرار بازداشت موقت است؛ زیرا مغایر اصل برائت بوده و قاعدتاً موارد صدور آن باید محدود و صرفاً در موارد استثنائی باشد. قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲ نیز در این چارچوب و با هدف جلوگیری از بازداشت متهمان، نوآوری هایی را پیش

<sup>۲۱</sup> Les alternatives à la poursuite.

<sup>۲۲</sup> . یکی از مباحث مهم در قالب رابطه ی میان تشخیص تناسب تعقیب کیفری با مقبولیت کیفر مطرح می گردد؛ بدین تعبیر که آیا مقبولیت کیفر دز نتیجه ی اقتضای و مصلحت سنجی مقام تعقیب موثر است یا خیر؟ هرچند این امر خود می تواند موضوع تحقیق مجزایی قرار گیرد اما حداقل می توان اشاره داشت که ابهام قوانین، عدم تعیین سازوکارهای مشخص، عدم وجود فرهنگ سازی مرتبط با جایگزین های تعقیب؛ خواه در میان مردم و خواه در میان کنشگران و غیره در قالب یک چارچوب موثرتر مقبولیت کیفری، به نوع تشخیص تناسب تعقیب کیفری نیز جهت می دهد.

<sup>۲۳</sup> . همچنین ر.ک به ماده ۲۱۷ ق.آ.د.ک

بینی کرده است. در وهله نخست، قرار بازداشت موقت اجباری تا حدودی از میان رفته است و نه تنها بازپرس در هیچ موردی ملزم به صدور قرار بازداشت موقت نیست، بلکه به منظور رعایت آزادی و امنیت اشخاص و احترام به اصل برائت، قانونگذار، را بر آزادی متهم قرار داده است. ماده ۲۳۷ در این باره مقرر می‌دارد که «قرار بازداشت موقت جایز نیست مگر در مورد جرائم زیر که دلایل، قرائن و امارات کافی بر توجه اتهام به متهم دلالت کند...». بازداشت موقت در کنار توجیحات و دلایل حقوقی مقتضی صدور، به دلیل نقش پیشگیرانه و امنیت مداری که بر این قرار حاکم است از میزان مقبولیت یا توجیهی که مقام قضایی برای تشخیص تناسب این قرار قائل می‌شود نیز تبعیت می‌کند. آنچه شنیده می‌شود این است که برخی شعبات رسیدگی کننده به شکلی حداکثری به قرار بازداشت موقت متوسل می‌شوند این در حالی است که برخی از شعبات صالح به تحقیق به شطور حداقلی به این قرار متوسل می‌گردند. علاوه بر این نیز می‌توان عملکرد دادستان بر تأیید یا عدم تأیید قرار بازداشت موقت صادره<sup>۲۴</sup> را از حیث مقبولیت کیفری سنجید و از این حیث نظر داد که، تا چه اندازه تفکر به تشخیص تناسب از یک سو و نگاه سخت گیرانه ی وی باعث توسل یا عدم توسل به این نهاد می‌شود. حتی ترتیب شدت میان قرارهای تأمین کیفری کمتر از بازداشت موقت نیز اثرپذیری فراوانی از این امر دارد که مقام تحقیق تا چه اندازه آن قرار را به عنوان یک قرار متناسب تشخیص داده و در جهت جلوگیری از فرار متهم یا محو ادله ی احتمالی تشخیص مبتنی بر تساهل یا سخت گیری داشته باشد.<sup>۲۵</sup>

یکی دیگر از مهمترین موارد مرتبط در قالب قرارها، تصمیم به تعیین یا عدم تعیین قرار نظارت قضایی در قالب مقبولیت کیفر است. قرارهای نظارت قضایی برای نخستین بار و بر اساس ماده ۲۴۷ ق.آ.د.ک، مقام قضایی می‌تواند در کنار قرارهای تأمین کیفری دهگانه مورد اشاره در ماده ۲۱۷، در صورت صلاحدید به صدور قرار نظارت قضایی اقدام کند. در این قانون، نظارت قضایی برخلاف حقوق فرانسه که نهادی مستقل و جانشینی برای بازداشت موقت است، تدبیری تکمیلی و فرعی در کنار سایر قرارهای تأمین کیفری (اصولا) و در مواردی مستقل (استثنا) و در جرائم تعزیری درجه هفت و هشت) است (ایرانی، ۱۳۹۲، ص ۱۰۸). اینکه در حال حاضر رویه ی قضایی تا چه اندازه از این قرار استقبال می‌کنند یا کرده اند مشخص نیست ولی در پرتو مقبولیت کیفر می‌توان بیان داشت که نگرش مقام های قضایی به سمت این نهاد، مستلزم فرهنگ سازی است و غالبا انتظار بر این است که به دلیل عدم وجود آیین نامه ای مشخص و نیز ساز و کار اجرایی نظام مند در ارتباط با این قرار، این قرار تنها به موارد تکمیلی بودن منحصر گردد و هیچ گاه به شکلی مستقل از سوی دادگاه موضوع صدور قرار نگردد. شاید بتوان این چنین نیز نظر داد که مقبولیت کیفری برخاسته از این قرار در میان مقام های قضایی موجود بوده باشد، چراکه این قرار، قرار مبتنی بر محرومیت از برخی از حقوق اجتماعی بوده و محرومیت نیز پاسخی تکمیلی و عموما نظارت مداری است که به موجب آن متهم بیشتر در دسترس باقی خواهد ماند.

۲۴. به موجب ماده ۲۴۰ قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲، قرار بازداشت متهم باید فوری نزد دادستان ارسال شود. دادستان مکلف است حداکثر ظرف بیست و چهار ساعت نظر خود را به طور کتبی به بازپرس اعلام کند. هرگاه دادستان با قرار بازداشت متهم موافق نباشد، حل اختلاف با دادگاه صالح است و متهم تا صدور رأی دادگاه در این مورد که حداکثر از ده روز تجاوز نمی‌کند، بازداشت می‌شود.

۲۵. حتی علاوه بر این می‌توان از حیث میزان مقبولیت کیفر یا پاسخ کیفری در مرحله ی تعیین قرارهای تأمین این نکته را مطرح نمود که چنانچه شخص متهم متقاضی قرار شدیدتر باشد، مثلا به جای قرار کفالت متقاضی قرار وثیقه باشد، به موجب ماده ۲۲۰ ق.آ.د.ک مقام قضایی مکلف به قبول آن است؛ حال این سوال مطرح می‌شود که آیا تکلیف بار شده بر مقام قضایی را می‌توان نوعی عدم جایگاه بخشی به مقبولیت مقام قضایی دانست؟ اگرچه پاسخ به این سوال مستلزم تحقیقی مفصل و جامع است-که در رساله به طور مفصل بدان پرداخته شده است-، اما ذکر این نکته لازم است که گاهی سیاستگذار جنایی یا قانونگذار کیفری به طور کلی، در راستای نگرش مبتنی بر شدت کیفری، امکان سنجی برخی رویه ها را از مقام قضایی سلب نموده است و از این حیث نوعی مقبولیت کیفری تقنینی بر مقبولیت کیفری قضایی اولویت می‌یابد.

از جمله مهمترین مراحل کیفر دهی قضایی، مرحله ی دادرسی و صدور حکم است<sup>۲۶</sup> که به موجب آن، از میان کیفرهای عموماً دارای حداقل و حداکثر یا برخوردار از چند نوع کیفر، نوع و میزانی تعیین می شود. از این حیث که مراحل کیفردهنده در دو مرجع بدوی و تجدیدنظر خواه (به معنای اعم) دسته بندی می شوند، می توان در ادامه به این دو مرحله ی تعیین کیفر توجه و در قالب آنها به اجزای مرتبط با مقبولیت کیفر پرداخت.

۱- مقبولیت کیفر در مراجع بدوی تعیین کننده ی کیفر؛ تعیین کیفر از سوی محاکم بدوی را می توان دارای متجلی ترین جایگاه توجه نگری و اهتمام به مقوله ی مقبولیت دانست. در این مرحله، مراجع بدوی علاوه بر نگرش به اهداف برخاسته از کیفر (برای مطالعه ی بیشتر در خصوص توجه مجازات در بستر فلسفه ی حقوق ر.ک موراوتز، ۱۳۸۷؛ صص ۲۲۷-۲۲۸)، به ویژگی های بزهکار و نیز با نگرشی آینده مدار به آثار مجازات کیفر متناسب را برمی گزینند. نکته ی مهمی که باید در مراجع قضایی و نگرش مبتنی بر مقبولیت آنان رعایت گردد این است که وجود وضعیت خنثی گونه و بدو تمایل به کیفری کردن محض و غیرکیفری کردن در قضات ضروری است؛ بدین بیان که اگرچه دیدگاههای چون عقیده ی دورکیم مبنی بر اجتماعی سازی کیفر بیان می شوند اما این به معنای تأکید بر کاربرد کیفری به شکلی حداکثری و نیز به شکلی حداقلی نیست (گارلند، ۱۳۹۵؛ ص ۹۱).

مراجع بدوی تعیین کننده ی کیفر را می توان مراجعی دانست که در قالب صلاحیت های ذاتی مشخص و با رعایت اصول کیفری صلاحیت از جمله صلاحیت محلی جهت رسیدگی به جرم ارتكابی صالح هستند. با همین تبیین، دادگاههای کیفری یک و دو، دادگاه انقلاب، دادگاه اطفال و نوجوانان و کیفری یک ویژه ی نوجوانان، دادگاه های نظامی متعدد و نیز دادگاه های ویژه ی روحانیت در کنار مراجع شبه قضایی از قبیل تعزیرات حکومتی و شوراهای حل اختلاف را می توان مورد اشاره قرار داد. بدیهی است که نگرش کیفری حاکم بر هر یک از این محاکم و نوع یا میزان کیفری که در آنها تعیین می گردد از یکدیگر قابل تمییز و متفاوت است. بدیهی است که احکام سنگین صادره در محاکم انقلاب با احکام صادره در دادگاه های کیفری دو قابل مقایسه نیست.

۲- مقبولیت کیفر در مراجع عالی مرتبط با اعتراض از کیفر تعیینی: از جمله دیگر مولفه های موثر بر کیفردهی، سنجش مقبولیت کیفر از منظر قضات مراجع عالی است. اینکه برخی از احکام موضوع نقض یا تغییر در میزان مجازات قرار می گیرند، فارغ از بسترهای حقوقی پیش بینی شده، می تواند به دلیل مهمی چون نگرش قضات این مراجع باشد. وابستگی احکام صادره به نگرش قضات این مراجع از آنجا تقویت می گردد که به لحاظ قانونی و عملی، جلسه ی تجدیدنظر خواهی از آرای مورد نظر طبق اصول کیفری معمولاً بدون حضور طرفین پرونده صورت می گیرد و از این حیث شخص قاضی، در غیر مواردی که ضرورت بدانند، رأساً در مقام تعیین کیفر متناسب اقدام می کند. در این اقدام نیز آنچه تأثیر قابل ملاحظه ای بر جهت دهی وی دارد میزان تمایل یا عدم تمایل وی به سمت رویکرد مبتنی بر تخفیف یا تشدید، میزان

<sup>۲۶</sup> لازم به ذکر است که اجتهاد مقام قضایی بر مقبولیت کیفر و جهت دهی آن تأثیر می گذارد. بنا به اعتقادی « با توجه به متون و مدارک اسلامی، تعیین واکنش تعزیری به صلاحدید حاکم موکول شده است. بی تردید تبیین چگونگی عملکرد قاضی و نیز تعیین حدود اختیارات وی در گزینش واکنش تعزیری، از موضوعات مهمی محسوب می شود که در پرتو آن می توان جایگاه مجازات های محدودکننده آزادی را در سیاست کیفری اسلام تبیین کرد. به نظر می رسد که قاضی موظف است با توجه به ضوابط و معیارهای خاصی، جنس و میزان تعزیر را اجتهاد کند و شاید گاهی حسب آن ضوابط، مجازات محدودکننده آزادی را موثرترین و مناسب ترین واکنش تشخیص دهد و لذا اجتهاد قاضی، از ضرورت به کارگیری مجازات های محدودکننده آزادی حکایت دارد؛ اما در سیاست کیفری کشور ما، هنوز لوازم و شرایط آن کاملاً مهیا نشده است». (صادقی و ریاحی، ۱۳۹۵، ص ۲۸۹)

اطلاعات حقوقی وی از مبانی سیاستگذاری جنایی و رویکرد تقنینی، میزان توجه کامل به ادله‌ی موجود در پرونده‌های عموماً قطور موضوع تجدیدنظر خواهی و غیره می‌باشند. بنابراین، در حین نگارش رأی در پرتو تجدیدنظر خواهی، این مولفه‌ها به قلم قاضی مربوطه جهت می‌دهد و آنچه میان ذهن و قلم وی نقش تعیین‌کننده‌ای دارد چیزی نیست جز اذعان، مقبولیت و پذیرش آن کیفری که در حال نگارش آن است.

ه) مقبولیت کیفر از منظر کنشگران قضایی مراحل اجرای احکام کیفری

مرحله اجرای احکام کیفری که نتیجه‌ی تمام زحمات کنشگران مراحل قبل نظام عدالت کیفری می‌باشد از اهمیت شایانی در بیشتر سیستم‌های کیفری دنیا برخوردار است. تحولاتی که اخیراً در این مرحله رخ داده است، ویژگی قضاتوتی بودن آن را پررنگ‌تر ساخته است (پاشازاده، ۱۳۹۵)؛ بدیهی است که در پرتو این ویژگی، اختیارات صلاح‌دیدی قضات اجرای احکام و دیگر اشخاص ذیصلاح<sup>۷</sup> در راستای اهداف مهمی از جمله تناسب‌سازی اجرای مجازات‌ها با وضعیت مجرم و همچنین اوضاع و احوال ارتکاب جرم و در نتیجه نیل به حداکثر بازدهی از مجرای اعمال مجازات افزایش یافته است.<sup>۲۸</sup> به موازات این امر، جایگاه مقبولیت کیفر و نوع نگرش این مقامات قضایی در تعیین و یا بازنگری در مجازات‌های تعیین شده تأثیر قابل توجهی دارا است. در قالب سنجش میزان تأثیر مقبولیت کیفر در عملکرد قضایی کنشگران اجرای احکام کیفری، می‌توان تصمیمات مورد نظر را در سه قالب وظایف مبتنی بر تخفیف، تشدید و نیز وظایف نظارت مدار در اجرای احکام کیفری خلاصه و تبیین نمود.

۱- مقبولیت کیفر در قالب وظایف مبتنی بر درخواست تخفیف و تشدید کنشگران اجرای احکام کیفری: به موجب قانون مجازات اسلامی، تقاضای نهادهای جایگزین حکم اصلی از قبیل تعلیق اجرای مجازات (ماده ۴۶ ق.م.ا)، تعویق صدور حکم (ماده ۴۰ ق.م.ا)، آزادی مشروط (ماده ۵۸ ق.م.ا) و نیز کاهش مدت جایگزین‌های حبس مانند خدمات عمومی رایگان (مواد ۷۷ و ۸۰ ق.م.ا) برعهده‌ی قاضی اجرای احکام قرار داده شده است.<sup>۲۹</sup> به موجب این امر، این مقام چنانچه در راستای عدم پذیرش یا عدم مقبولیت این پاسخ‌های مبتنی بر تخفیف در ارائه‌ی این تقاضا اقدام ننماید، شخص محکوم علیه از این امکان تقنینی محروم شده و قربانی تفکر کنشگران مربوطه شده است. از طرفی نیز عدم وجود مجال تقنین جهت اعتراض از این محرومیت، خود به مقبولیت کیفری سلیقه‌گرای آنان دامن می‌زند. در نقطه‌ی مقابل تقاضای پاسخ‌های شدید کیفری نیز خود می‌تواند تحت تأثیر این تفکر و نوع مقبولیت سنجی وی قرار گیرد. به عنوان مثال

۲۸. بر اساس ماده ۴۸۵ قانون آ.د.ک ۱۳۹۲: «معاونت اجرای احکام کیفری به تعداد لازم قاضی اجرای احکام کیفری، مددکار اجتماعی، مأمور اجراء و مأمور مراقبتی در اختیار دارد». در این ارتباط لازم به توضیح است، مددکار اجتماعی در اصطلاح قضایی فردی است که پاره‌ای از وظایف ضابطان قضایی را به نمایندگی از مراجع قضایی انجام می‌دهند. (کارخیران ۱۳۹۲: ص ۱۱۲۶) مضاف بر آن، مأمور اجراء نیز شخصی است که به دستور مدیر اجراء مباشرت در عملی کردن مدلول حکم دادگاه را بر عهده دارد. (بهرامی ۱۳۸۳: ص ۱۹) مأمور مراقبتی نیز رسالت مراقبت و حراست از اجرای حکم را مطابق با آنچه تبیین شده است، به عهده دارد. به این ترتیب و علاوه بر دادستان، دیگر کنشگران مرحله اجرای احکام کیفری را قاضی اجرای احکام، مددکار اجتماعی، مأمور اجراء و مراقبتی تشکیل می‌دهند.

۲۹. مضاف بر آن اهداف دیگری چون بازدارندگی خاص و سرانجام پیشگیری از تکرار جرم از حیث مقبولیت کیفری و تأثیر بر نوع پاسخ‌تعیینی و در قالب قضایی نمودن مرحله اجرای مجازات قابل بحث است.

۳۰. جلوه دیگری از اختیارات قاضی اجرای احکام به اعطای مرخصی به زندانیان مربوط می‌شود؛ این مهم که در بند «ت» ماده ۴۸۹ قانون آیین دادرسی کیفری قید شده است، استقلال قاضی اجرای احکام را در اتخاذ تصمیم در قبال اعطای مرخصی به زندانیان را البته طبق شرایط مصرح قانونی منعکس می‌نماید. در این خصوص حائز اهمیت است، شرایط قانونی مورد بحث در ماده ۵۲۰ قانون آیین دادرسی کیفری و البته آیین‌نامه اجرایی سازمان زندان‌ها اصلاحی ۱۳۸۹ مورد ذکر قرار گرفته است.

پیشنهاد افزایش مدت مجازات تکمیلی که در ماده ۲۴ ق.م.ا پیش بینی شده است از تفکر مقام اجرای احکام بسیار الهام می‌گیرد. حال با توجه به این ملاحظات می‌توان عنوان نمود که با توجه به اینکه در غالب موارد مبتنی بر تخفیف و تشدید، مقام اجرا کننده ی احکام کیفری یک پیشنهاد دهنده است، از همین رو نقش قضات صادرکننده ی حکم قطعی می‌تواند در جهت دهی نظام مند به وظایف آنان و در اصل تعدیل آن نقش به سزایی داشته باشد.

۲- مقبولیت کیفر در قالب وظایف نظارت مدار کنشگران اجرای احکام کیفری: وظایف نظارت مدار را می‌توان به آن دسته از مواردی اطلاق نمود که فارغ از نگرش مبتنی بر تخفیف و تشدید در آنها، حُسن اجرای احکام کیفری منوط به رعایت آنهاست. *اولا/* اینکه؛ نظارت بر عملیات اجرایی آرای کیفری و همچنین زندان‌ها در امور راجع به زندانیان را به لحاظ اهمیت مقوله اجراء در فرآیند جزایی را شاید بتوان مهمترین رسالت قاضی اجرای احکام انگاشت. این مهم که در بند «الف» ماده ۴۸۹ ق.آ.د.ک پیش بینی شده به لزوم وجود تمهیدات اجرایی مناسب ملزم نشده است. فقدان سازوکار نظام مند در تقویت استقلال در تصمیم گیری ها، باعث می‌شود که سلیقه گرایی اجرایی از سوی آنها جلوه ی متفاوتی را برای مقبولیت کیفری موردنظر فراهم نماید. *ثانیا/* اینکه؛ یکی دیگر از موارد مبتنی بر تقویت نظارت بر اجرای احکام کیفری رعایت موارد استثنائی تعویق صدور حکم است.<sup>۳۰</sup> به موجب مواد ۵۰۱ و ۵۰۲ قانون اخیرالذکر، در موارد دوران بارداری، پس از زایمان حداکثر تا رسیدن طفل به سن دو سالگی طفل، در حالت حیض یا استحاضه بودن محکوم به شلاق در ایام اجرا و نیز بیماری جسمی و یا روانی محکوم علیه به تشخیص و دستور قاضی اجرای احکام به تعویق می‌افتد. بدیهی است که تعیین دامنه ی تعویق و مواردی که دارای حداقل و حداکثر است می‌تواند جهت گیری مقام قضایی را به سمت عدم تعیین تعویق جهت دهد.

مصادق دیگری که می‌تواند از سنجش مقبولیت مدار کیفر تأثیر بپذیرد در قسمت اخیر ماده ۵۰۲ قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲ چنین تصریح شده است «... چنانچه در جرایم تعزیری امیدی به بهبودی بیمار نباشد، قاضی اجرای احکام کیفری پس از احراز بیماری محکوم علیه و مانع بودن آن برای اعمال مجازات، با ذکر دلیل، پرونده را برای تبدیل به مجازات مناسب دیگر با در نظر گرفتن نوع بیماری و مجازات به مرجع صادرکننده رأی قطعی ارسال می‌کند...». وفق فراز مذکور، قانونگذار در راستای حمایت از محکومان ویژه، یعنی افرادی که دچار بیماری می‌باشند و البته امیدی به بهبودی ایشان نیز نیست، امکان تبدیل مجازات را به نحو مصرح اجازه داده است. حال دامنه تبدیل می‌تواند از نوع تفکر قضات اجرای احکام الهام بگیرد و دامنه ی نوع کیفر پیشنهادی می‌تواند بسته به هر حوزه ی قضایی تفاوت داشته باشد. یکی دیگر از مأموریت‌هایی که قانونگذار ایران نسبت به قاضی اجرای احکام ترسیم نموده ناظر بر مواردی است که مجازات رفتار مجرمانه‌ای به موجب قانون لاحق تخفیف یابد و در نتیجه اصلاح مجازات مورد حکم لازم گردد.<sup>۳۱</sup>

<sup>۳۰</sup> با این که اصل بر عدم توقف اجرای احکام کیفری می‌باشد لیکن قانونگذار در پاره‌ای از موارد مصرح، تعویق اجرای رأی را نیز مورد حکم قرار داده است. به واقع، ضرورت اجتناب از ایستایی غیرقانونی عملیات اجرایی بدان حدی بوده که مقنن جهات تعویق عملیات اجرایی را احصاء نموده است. (جوانمرد ۱۳۸۳: ۴۰۳)

<sup>۳۱</sup> در این ارتباط و برحسب بند «ب» ماده ۱۰ قانون مجازات اسلامی: «اگر مجازات جرمی به موجب قانون لاحق تخفیف یابد قاضی اجرای احکام مؤظف است قبل از شروع به اجرا و یا در حین اجرا از دادگاه صادرکننده حکم قطعی، اصلاح آن را طبق قانون جدید تقاضا نماید.»

## فهرست منابع

- آشوری، محمد؛ **آیین دادرسی کیفری**، جلد اول، انتشارات سمت، چاپ نوزدهم، ۱۳۹۵؛
- آقا بخشی، علی؛ **فرهنگ علوم سیاسی**، تهران، نشر چاپار، چاپ اول، ۱۳۸۳،
- ایرانی، امیر، **قرار نظارت قضایی؛ از مبانی تا جلوه‌ها (با تاکید بر حقوق کیفری ایران)**، پایان نامه کارشناسی ارشد حقوق جزا و جرم‌شناسی، دانشکده حقوق دانشگاه شهیدبهبشتی، ۱۳۹۲
- بهرامی، بهرام؛ **اجرای احکام مدنی**، مؤسسه فرهنگی انتشاراتی نگاه بینه، چاپ سوم، ۱۳۸۳
- پاشا زاده، حسن، **قضاوتی شدن و جایگاه نوین وظایف و اختیارات دادستان در فرآیند دادرسی کیفری ایران و انگلستان**، استاد راهنما؛ دکتر نسرين مهرا، رساله دکتری حقوق کیفری و جرم‌شناسی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم و تحقیقات تهران، پاییز ۱۳۹۴
- جمشیدی، علیرضا و علیرضا نوریان، **متناسب بودن تعقیب کیفری؛ مفهوم، مبانی و جلوه‌ها در حقوق ایران و انگلستان**، پژوهش حقوق کیفری، شماره ۳، بهار و تابستان ۱۳۹۲.
- حبیب زاده، محمدجعفر، **اندیشه‌های حقوقی ۳ (مجموعه مقالات عدالت کیفری)**، مؤسسه فرهنگی انتشاراتی نگاه بینه، تهران، چاپ اول، ۱۳۹۱
- حسانی، یعقوب، **چالش‌های میانجی‌گری کیفری در لایحه قانون آیین دادرسی کیفری**، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه شیراز، ۱۳۹۲
- خالقی، علی، **نکته‌ها در قانون آیین دادرسی کیفری**، انتشارات شهر دانش، چاپ چهارم، ۱۳۹۵،
- دانش پژوه، مصطفی؛ خسروشاهی، قدرت‌الله؛ **فلسفه حقوق**، قم، انتشارات مؤسسه آموزشی پژوهشی امام خمینی، چاپ یازدهم، ۱۳۹۰.

رستمی، هادی، **تقابل وظیفه گرایی و غایت گرایی در توجیه کیفر**، دو فصلنامه پژوهشنامه حقوق کیفری دانشگاه گیلان، دوره هفتم، شماره ۲ (شماره پیاپی ۱۴)، پاییز و زمستان ۱۳۹۵،

رستمی، هادی و علی رضا تقی پور، **توجیه کیفر در سامانه عدالت به مثابه انصاف**، آموزه های حقوق کیفری، دانشگاه علوم اسلامی رضوی، شماره ۹، بهار و تابستان ۱۳۹۴

ساقیان، محمدمهدی، **تقویت حقوق و آزادی های متهم در مرحله تحقیقات مقدماتی دادرسی کیفری ۱۳۹۲**، فصلنامه پژوهش حقوق کیفری، دوره دوم، شماره ۶، بهار ۱۳۹۳  
شاکرین، حمیدرضا؛ **حکومت دینی**، نشر معارف، ۱۳۸۲،

شیدائیان، مهدی، **تحلیل اصل موقعیت داشتن تعقیب کیفری و جایگاه آن در حقوق کیفری ایران و اسلام**، رساله ی دکتری ۸۸-۸۷،

شکرچی زاده، محسن، **آیین دادرسی کیفری انگلستان؛ قاعده اقتضاء تعقیب**، انتشارات مجد، چاپ اول، ۱۳۹۴؛

صادقی، محمدهادی و جواد ریاحی، **اجتهاد تعزیر؛ مبنای اعمال مجازات های محدودکننده ی آزادی در فقه جزایی**، مجله پژوهش های فقهی، شماره ۲۵، ۱۳۹۵

عالم، عبدالرحمن؛ **بنیادهای علم سیاست**، نشر نی، چاپ دوازدهم، ۱۳۸۳،

کاتوزیان، ناصر، **فلسفه ی حقوق (تعریف و ماهیت حقوق)**، جلد اول، شرکت سهامی انتشار، چاپ چهارم، ۱۳۸۵

کارخیران، محمدحسین، **کاملترین مجموعه محشی قانون آیین دادرسی کیفری جدید**، انتشارات راه نوین، چاپ اول، ۱۳۹۲.

کم، بهروز و آنامحمد خرمالی، **وظایف و نقش دادستان در حقوق کیفری نوین ایران**، مجله علمی تخصصی حقوق و علوم قضایی، سال دوم، جلد یکم، شماره ۲۰، ۱۳۹۵

کوشکی، غلامحسن، **جایگزین های تعقیب عمومی در نظام دادرسی کیفری ایران و فرانسه**، فصلنامه پژوهش حقوق، سال دوازدهم، شماره ۲۹، تابستان ۱۳۸۹،

گارلند، دیوید، **مجازات و جامعه مدرن**، ترجمه نبی اله غلامی، نشر میزان، چاپ اول، ۱۳۹۵

محمودی جانکی، فیروز و مهر انگیز روستایی، **توجیه مداخله ی کیفر؛ اصول و ضرورتها**، فصلنامه پژوهش حقوق کیفری، دانشگاه علامه طباطبایی، دوره یکم، شماره ۳، تابستان ۱۳۹۲

مصدق، محمد، **قرارهای تأمین کیفری، نظارت قضایی و قرارهای نهایی با رویکرد کاربردی**، انتشارات جنگل، چاپ اول، ۱۳۹۴

موراتز، توماس، **فلسفه حقوق؛ مبانی و کارکردها**، انتشارات پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، چاپ اول، بهار ۱۳۸۷

نتیجه گیری

مقبولیت کیفر با تلفیق ملاحظات جامعه شناختی و کیفرشناختی، به مفهومی نسبی اطلاق می گردد که در پرتو آن مراجع کیفرده با تعریفی که هر کدام از مقبولیت و پذیرش کیفر دارند فرآیند کیفردهی را با قوانین کیفری منطبق می سازند. طرح ملاحظاتی چون مقبولیت کیفر به این منطبق بازمی گردد که اصولاً کیفر به دلیل محدودیت هایی که ایجاد می کند اصولاً بد ارزیابی می شود (کاتوزیان، ۱۳۸۵، ص ۴۵۳)، از همین رو دخالت حداقلی کیفری منوط به وجود تفکر مبتنی بر مقبولیت است. به موجب مقبولیت کیفر، منطقی واحد که به تقویت عملکرد یکسان در زمینه های مشابه می انجامد بستری برای نظام مند سازی برداشت تقنینی مقام های قضایی فراهم می آورد که در پرتو آن، آنچه حاصل می گردد نقض حداقلی حقوق متهمان، بزه دیدگان و جامعه به طور کلی باشد. با تحلیل فرایند مدار مقبولیت کیفر، آنچه مشخص می شود این است که میزان مقبولیت اقدام قضایی در هر یک از مراحل مختلف قضایی با توجهی متفاوت اعمال می گردد. در مراحل پیش دادرسی مقبولیت کیفری آهنگی امنیت مدار به خود گرفته و اگرچه قانون آیین دادرسی کیفری در راستای همسو نمودن تحولات نوین برآمده است، اما رویکرد عملی به سمت تعیین پاسخ های کیفری ای برآمده است که عموماً از نگرش امنیت مدار الهام می گیرد. در مرحله ی دادرسی نگرش امنیت مدار، کمرنگ تر رخ می نماید و قالب حقوقی-قضایی و آنچه در قوانین پیش بینی شده است بدان جهت می دهد. با این وجود میزان تأثیر مقبولیت کیفری در دامنه های حداقل و حداکثر میزان مجازات قانونی، در تشریفات غیرحضوری مراجع تجدیدنظر و به طور کلی در زمان انشاء حکم بسیار خود نمایی می کند. در قالب مرحله ی اجرای احکام کیفری نیز آنچه قالب کلی مقبولیت کیفری را تشکیل می دهد رویکرد مدیریتی مرتبط با اجرای احکام کیفری است. در این قالب نوع نگرش کنشگران اجرای حکم مدیریت مدار بوده و هر آنچه این منطق اقتضای آن را داشته باشد باعث تأثیر مقبولیت کیفری خواهد بود و در موارد پیشنهادی از سوی قضات

میری، سید رضا، آیین دادرسی کیفری؛ تعقیب کیفری؛ بررسی تطبیقی در نظام عدالت کیفری ایران و انگلستان، انتشارات مجد، چاپ اول، ۱۳۹۰؛

مهمان نواز، مهران، بررسی تطبیقی حقوق متهم در مرحله کشف جرم و تحقیقات مقدماتی در قانون آیین دادرسی دادگاه های عمومی و انقلاب در امور کیفری و لایحه جدید قانون آیین دادرسی کیفری، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه تبریز، ۱۳۹۰

یزدیان جعفری، جعفر، چرایی و چگونگی مجازات، سازمان انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، چاپ اول، ۱۳۹۱

Wood, David; retribution, crime reduction and the justification of punishment, Oxford Journal of Legal Studies, vol.22, No.2, Oxford university press, 2002.

Wilson, William; Criminal law doctrine and theory, printed in Great Britain Longman, First publish, 1998.

اجرای احکام دامنه‌ی مقبولیت کیفری اندک و در مواردی که منطق قضاوتی شدن به حد‌اعلای آن پذیرفته شده است تأثیر مقبولیت کیفری نیز دوچندان خواهد بود.

پی‌نوشت‌ها